

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد
۱۱ اگست ۲۰۱۳

دولت روحانی، دولت امید نظام!

حسن روحانی دوره چهار ساله ریاست جمهوری خود را آغاز نموده است. تصورات جامعه شاید بر آن باشد که در آینده، اوضاع از آنچه تاکنون بوده است، تغییر یابد. زنگ تبلیغات را اینگونه کوک نموده‌اند و بر این موضوع اصرار داشته‌اند که این یکی، با دیگری متفاوت است؛ تأکید داشته‌اند که هر آنچه باشد، نمی‌تواند بهمانند آن یکی – یعنی احمدی‌نژاد – باشد. فرق است و اگر چه هر دو برخاسته از یک نظام‌اند، اما تفاوت‌هایی با هم دارند. این‌ها را به ذهن مردم و جامعه تزریق نموده‌اند، و بدون شک از درک این تفاوت‌ها، و یا همسانی‌هاست که چپ، می‌تواند جایگاه نظری خود را روشن نماید و راه و سیاست صحیح را به جامعه نشان دهد.

البته و در گوران انتخابات بود که عده‌ای بر این موضوع کوبیدند که تحریم انتخابات ریاست جمهوری اسلامی سال نود و دو، بهمعنای باز گذاشتن دست جناح تندروهاست؛ عده‌ای همچون «فرخ نگهدار» با شعار «زنده باد ایران» به پای صندوق‌های رأی رفتند و عده‌ای دیگر بر این نظر کوبیدند که تغییر هر موضوعی، منوط به ورود آن است، و سر آخر عده‌ای دیگر گفته‌اند که انتخاب بد، به از بدتر است!!! پس لازم است تا تحریم کنندگان را کوبید و انتخابات نظام سراسر جهل و جنایت را، مشروعیت بخشید.

خلاصه، جدا از جدل درون حکومتی‌ها، در بیرون هم جدلی مابین تحریم کنندگان و مدافعان به پای صندوق کشاندن مردم، در گرفته بود. اگر بپذیریم و بر این باور باشیم که آرای مردمی در پرتو نظام‌هایی همچون نظام جمهوری اسلامی، می‌تواند کارساز و مؤثر باشد، پس تشویق مردم، به نرفتن، به پای صندوق‌های رأی هم، نمی‌تواند کاری تأثیرگذار و با مسؤلیت به حساب آید؛ اگر بپذیریم که دو جناح و علی‌رغم این‌که، از یک قماش‌اند و خیر یکی برای مردم و جامعه، بیش از دیگری‌ست، آنوقت دعوت مردم به خالی نگه داشتن میادین رأی‌گیری هم نمی‌تواند، کاری برارزنده و منطبق با منافع و خواسته‌های انقلاب و کمونیست‌ها باشد. به هر حال و در این میان سؤال این است که چه کس و یا کسانی بر تحریم و بر «نقش‌آفرینی» چپ، در زمان انتخابات تأکید داشتند و اساساً به دنبال کدام منافع و خواسته بوده و می‌باشند؟ از نظر مدافعان کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی، چه تغییرات قابل چشم‌گیر سیاسی در درون نظام صورت گرفته است، که می‌باید مردم در تعیین سرنوشت خود و آن‌هم در این بُرهه از زمان دخالت نمایند؟! آیا آمدن آخوند و یا کسی و آن‌هم با شعاری دیگر، بهمعنای جهش و تغییر رویه حکومتی‌ست، و یا این‌که عناصر و به اصطلاح مدافعان منافع مردمی، به قبول و به سیاست استحاله روی آورده‌اند؟

آنچه پیدا بوده و می‌باشد، نظام با تمامی ارگان‌ها و سیاست‌هایش بر سر جای خود باقی‌ست. نه زنگ تغییر رویه را کوبیده است و نه قصد چنین کاری را دارد. به این دلیل که فاقد پتانسیل لازمه به‌منظور به رسمیت شناختن حقوق

مردمیست. چرخش اقتصاد به سمت طبقه حاکمه و سرمایه‌داران در حرکت بوده - و می‌باشد - و سیاست آن‌هم، هموار کننده تخریبی هر چه بیشتر زندگانی میلیون‌ها انسان محروم است؛ ارگان‌های حافظ بقای نظام امپریالیستی هم، آماده مقابله با هرگونه اعتراضات و خواسته‌های ابتدائی کارگران و زحمت‌کشان‌اند. در عرصه اجتماعی، جدائی جنسیت‌ها همچنان زنده و قابل پی‌گیریست و به زنان می‌باید همچون گذشته، اجحاف شود. این‌ها قانون نوشته شده و چند دهه نظام جمهوری اسلامیست و بی‌گمان هر فرد و یا جناحی، در هر مقام و منصب دولتی قرار گیرد، متصدی و پی‌گیر آن‌ها می‌باشد. تصور و برداشتی جدا از این‌ها، بی‌معنیست.

برای متوهم نمودن جامعه و مردم، و مهمتر از همه این‌ها، برای بقای عمر درازمدت‌تر نظام جمهوری اسلامیست که با شعارهای "اعتدال و امید" به‌میدان آمده‌اند و از ابتداء و از آغاز کار هم، از غیر عملی و ناممکنی آن‌ها و آن‌هم به دلیل بحران، و به دلیل وجود نابرابری‌های عظیم در درون جامعه، و مانع تراشی جناح‌های رقیب، سخن به‌میان می‌آورند؛ بدون این‌که قصد ورود به ریشه و علل اصلی آن‌ها را داشته باشند. ناگفته نماند که توهمی از جانب عناصر آزاد اندیش و مدافع منافع محروم‌ترین اقشار جامعه، نسبت به حامیان نظام‌های امپریالیستی نیست. جدل دو طبقه ایست که یکی زندگی خود را در استثمار و چپاول دیگری می‌بیند و دیگری هم، تضمین زندگی بهتر خود را در نابودی و در میرندگی آن یکی می‌جوید. دنیا را ناعادلانه و این‌گونه تقسیم نموده‌اند و می‌باید به‌منظور تداوم سرکوب و استثمار کارگران و زحمت‌کشان، هم بر تن گرگ لباس میش کرد و با شعارهای تو خالی افکار عمومی را منحرف ساخت؛ می‌باید به بهانه ناکارآمدی فلان عنصر دولتی، آبروی کلیت نظام را خرید و مانع صدمه و بی‌حیثیتی هر چه بیشتر آن شد، و اما و در مقابل کدام عنصر و تجمع مدافع مردمیست که نداند، انتخاب و گردش سیاست نظام جمهوری اسلامی، نه با انتخاب این دولت و یا آن دولت گذری، نه با ناتوانی و بی‌کفایتی این مجری و آن مجری و این جناح و یا آن جناح حکومتی، بلکه در سیاست کلان نظام جمهوری اسلامی نهفته می‌باشد؛ سیاستی که چند دهه بر فضای جامعه چنگ انداخته است و هیچ‌یک از رؤسای جمهور و دولت متبوع‌شان هم، کمترین تأثیری در بهبودی زندگانی میلیون‌ها انسان محروم نداشته و نخواهند داشت.

این خط و خطوط و نگرش نظام‌های امپریالیستی و همچنین نظام وابسته و تا ئن مسلح رژیم جمهوری اسلامیست و بی‌تردید به راه‌اندازی انتخابات ریاست جمهوری هر از چند گاهی، آن‌هم چیزی جز به بازی گرفتن جامعه و نادانان نیست؛ چیزی جز خاموشی اعتراضات مردمی و استتار و تعرض دوباره به جان و مال میلیون‌ها انسان محروم نیست. تاریخ انتخابات ریاست جمهوری اسلامی را می‌توان گواه گرفت و نشان داد که چگونه دولت‌های رنگارنگ نظام، راه و روش‌شان را منطبق بر منافع بزرگان و استثمارگران نموده‌اند؛ می‌توان نشان داد که چگونه همه دولت‌ها دشمن آزادی‌های نسبی بوده - و می‌باشند -، و سیاست‌های‌شان از قبل نوشته شده است و در هر دوره‌ای نقش سوپاپ اطمینان نظام امپریالیستی را بازی - کرده و - می‌کنند و ربطی به مردم و خواسته‌های به‌حق و پایمال شده‌شان ندارند؛ این‌ها، تصورات خام به اصطلاح مدافعان مردمیست که می‌پندارند، با آمدن روحانی و با رفتن احمدی‌نژاد، جامعه قادر به تنفس بهتر از گذشته خواهد بود؛ این‌ها خیال اندیشی آنان است و این‌گونه می‌پندارند که می‌توان از این پس، شاهد زندگی بهتر مردم و رفع مشکلات اقتصادی جامعه بود. اگر دولت "سازندگی" در خدمت به سازندگی جامعه و زندگی بهتر مردم بود، اگر دولت "اصلاح‌طلب"، قانون و حقوق مردم را اصلاح و تأمین نمود، بنابراین دولت "اعتدال و امید" روحانی هم می‌تواند، در درون جامعه اعتدال برقرار نماید و امیدی دوباره به زندگی سراسر مشقت‌بار کارگران و زحمت‌کشان دهد!!

پُر واضح است که اساساً این دولت‌ها برای چنین کارهای مثبت و انسانی ساخته نشده‌اند؛ این‌ها را ساخته‌اند تا تسمه‌های سود دهی جامعه را، روان‌تر به حرکت در آورند؛ زاده شده‌اند تا حرکت‌های اعتراضی را خفه و سرکوب نمایند. بر سر

کارشان گمارده و می‌گمارند تا جنبش‌های اعتراضی را با شعارهای فریبنده منحرف سازند. "خندان" و "آرام" به‌میدان می‌آیند تا بر نگرانی میلیون‌ها انسان و خشونت جامعه بیفزایند. این‌ها پیش‌درآمد ورود، به دم و دستگاه‌های حکومتی - دولتی‌ست. چرا که همه آنان امتحان خود را پس داده‌اند و از فیلتر تنگ و باریک نظام عبور نموده‌اند. عنصر و یا جناح بدون باوری به انجام چنین وظایف غیر انسانی، به درد نظام نمی‌خورد. مگر می‌توان تصویری خلاف آن را داشت؟ مگر می‌توان سوابق "درخشان" روحانی را به‌عنوان یکی از خدمت‌گذاران و مجریان نظام نادیده گرفت و بر این پندار واهی بود که این یکی آمده است تا زندان‌ها را برچیند؛ آمده است تا اقتصاد فرتوت و گنبدیده را به نفع مردم سر و سامان دهد و پوشش دلخواه زنان را به رسمیت بشناسد؟ در حقیقت انتخاب روحانی، انتخاب مردم نیست و انتخاب و امید نظام جمهوری اسلامی‌ست؛ چرا که به باور وی، اعتدال چیزی جز به رسمیت شناختن حقوق جناح‌های متفاوت حکومتی و سرمایه‌داران وابسته نیست؛ نگاهش به ناملایمات سیاسی درون جامعه، چیزی جز رفع حصر و زندان و میدان دادن هر چه بیش‌تر جناح‌های خودی نیست. روحانی دشمن طبقاتی مردم است و لحظه‌ای از تعرض به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان و جوانان و زنان باز نخواهد ماند.

بنابراین دولت "اعتدال و امید"، پای در جای پای دولت‌های قبلی نظام خواهد گذاشت و جامعه را به همان مسیری سوق خواهد داد که دولت‌های گذشته، مجری آن بودند. این‌ها وظایف روحانی در دوران چهار ساله آتی ریاست جمهوری‌اش می‌باشد. رئیس جمهوری که با آزادی‌های پایه‌ی مردم سر جنگ دارد؛ با چرخش اقتصاد سرمایه‌داری به نفع حاکمان و زورگویان موافق است؛ با رفع و تبعیض جنسیت در درون دانشگاه‌ها و جامعه مخالف نیست؛ با استثمار و دربدری محرومان کمترین مشکلی نخواهد داشت و مدافع به بند کشیدن و آزار و اذیت و شکنجه مخالفان نظام جمهوری اسلامی‌ست.

۱۰ اگست ۲۰۱۳

۱۹ مرداد [اسد] ۱۳۹۲